

بررسی استنادات قرآنی حضرت زینب در دو خطبه کوفه و شام

تاریخ دریافت: ۹۱/۶/۳ تاریخ پذیرش: ۹۱/۹/۴

اصغر طهماسبی بلداجی؛ کارشناس ارشد علوم قرآن کریم

چکیده

یکی از استنادات محکم حضرت زینب سلام الله علیها در همه شرایط، آیات نورانی وحی است. این استنادات بیشتر در دو خطبه مهم کوفه و شام نمود پیدا کرده است و به صورت انعکاس آیه ای از قرآن یا بخشی از آیه و یا مفهوم آن نمایان می شود. مقام والای معنوی و عرفانی و پرورش یافتن در مهبط وحی، عامل مهمی شد تا قرآن کریم در کلام رضیعه وحی متجلی و نمایان گردد. بر همین اساس، این جستار می کوشد به بررسی تجلی آیات قرآن در دو خطبه کوفه و شام بپردازد و از این رهگذر تصویری از تجلیات قرآنی را در کلام او منعکس کند. کلید واژه ها: آیات قرآن، حضرت زینب سلام الله علیها، خطبه کوفه، خطبه شام.

حضرت زینب سلام الله علیها، اسوه‌ای است برای تمام مردان و زنان کمال جو و حقیقت طلب که طریق کمال را طی می‌کنند. آشنایی با سیره علمی و عملی این مخدّره، درس‌هایی آموزنده و کاربردی برای همگان دارد. مقام والای معنوی ایشان تا آنجاست که نام وی را خداوند برگزیده، مقامش را پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گرامی داشته، امیرالمومنین علیه السلام او را اجلال و اکرام کرده و اذن تفسیر قرآن به او داده، لقب نائبه الزّهراء سلام الله علیها به خود گرفته و یار و غمخوار حسنین علیهما السلام بوده و جاودانگی قیام کربلا مدیون خطبه‌های محکم و متقن ایشان است. یکی از موضوعات مهمّی که درباره حضرت زینب سلام الله علیها مطرح می‌شود، تجلّی آیات قرآن در کلام اوست. بدون تردید می‌توان قرآن را در قول و فعل و سیره این بزرگوار متجلّی دانست. یکی از مهم‌ترین استنادات حضرت زینب سلام الله علیها در سخنان خود و به ویژه در دو خطبه کوفه و شام آیات قرآن بوده است. در این مقاله تجلی آیات قرآن و نحوه انعکاس آن در دو خطبه کوفه و شام بررسی شده است. این دو خطبه از مهم‌ترین آثار به جا مانده از حضرت زینب سلام الله علیها است. شیوه پژوهش به صورت کتابخانه‌ای است.

۱. تربیت در خانواده قرآنی و شکل‌گیری شخصیت قرآنی

اگر بخواهیم درباره تجلیات آیات قرآن در آثار حضرت زینب سلام الله علیها سخن بگویم ابتدا باید نحوه شکل‌گیری شخصیت ایشان را مورد بررسی قرار دهیم. یکی از مهمترین عوامل تأثیرگذار در شکل‌گیری شخصیت هر انسانی، تأثیرپذیری از خانواده و مربیان اوست. حضرت زینب سلام الله علیها در خانواده وحی، دیده به جهان گشوده، از جمله القاب حضرت زینب سلام الله علیها در این باره عبارتند از: عقیله وحی (بانوی خاندان وحی)، عقیله النبوه (بانوی نبوت) رضیعه وحی (شیرخورده وحی آسمانی). این القاب همگی به تربیت الهی و

شکل گیری شخصیت قرآنی در وجود مقدس ایشان اشاره می کند. به روشنی می توان از این القاب، مقام قرآنی حضرت زینب سلام الله علیها را فهمید. قرآن با وجود حضرت زینب سلام الله علیها عجین شده و با گوش و خون وی آمیخته گردیده است و این مهم در قول و فعل و سیره این بزرگوارنمایان می شود. برای روشن ترشدن مقام قرآنی ایشان لاجرم باید خانواده ایشان معرفی شود. جد بزرگوار ایشان حضرت محمد صلی الله لیه و آله که کاملترین انسان بر روی زمین است. کسی که خداوند درباره او می فرماید: ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾ (قلم: ۴)؛ ﴿مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ تَوَلَّىٰ فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِظُوا﴾ (نساء: ۸۰)؛ ﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ﴾ (نجم: ۳). امام صادق علیه السلام درباره عظمت ایشان می فرماید: خداوند سبحان رسولش را به بهترین و ظریف ترین آداب الهی مؤدب کرد، آنگاه به او فرمود: همانا تو به اخلاق عظیم هستی. سپس اداره امور دینی و دنیایی مردم را به آن حضرت واگذارد.^۱ کسی که وقتی حضرت زینب سلام الله علیها به دنیا می آید او را به سینه می فشارد و در مصیبت هایی که بر او پیش می آید گریه می کند و می فرماید: وصیت می کنم حاضرین و غائبین امت را که حرمت این دختر را پاس بدارند.^۲

پدر بزرگوار ایشان امیرالمؤمنین علی علیه السلام است، هموکه هفتاد آیه از قرآن درباره وی نازل شده است.^۳ کسی که قرآن ناطق بود و قرآن از بند بند کلامش جاری بود. پیامبر رحمت، ایشان را نزدیک ترین فرد به خود، برادر خود در دنیا و آخرت،^۴ اولین گرونده به اسلام، داناترین و صبورترین و شجاع ترین افراد امت خود که از برترین یقین برخوردار است، نام نهاد.^۵ مادرگرامی ایشان حضرت فاطمه زهراء سلام الله علیها، کسی که سوره کوثر درباره ایشان نازل شد که مراد از کوثر در این سوره فاطمه سلام الله علیها و اولاد ایشان تفسیر شده است.^۶ همان کسی که ناطقه قرآن بود و زمانی که برای گرفتن حق خود پرداخت، تنها استنادش قرآن بود تا همگان بدانند، قرآن کتاب قانون اسلام است.^۷ دو برادر بزرگوار ایشان امام حسن مجتبی علیه السلام و امام حسین علیه السلام مفسر بزرگ قرآن پس از پدر

بزرگوارشان بودند.^۸ اینان نیز ناطقان قرآن بودند. همانان که رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره ایشان فرمودند: هرکه حسن علیه السلام و حسین علیه السلام را دوست بدارد، مرا دوست داشته و هرکه با آنان دشمنی ورزد با من دشمنی کرده است.^۹ حضرت زینب سلام الله علیها در چنین خانواده‌ای تربیت یافت و از چنین مربیان بزرگی درس‌ها آموخت، همانان که امیرمؤمنان علیه السلام درباره آنان می‌فرماید: «فِيهِمْ كَرَامَةُ الْقُرْآنِ وَ هُمْ كُنُوزُ الرَّحْمَنِ»^{۱۰} همه فضایل قرآنی درباره این خانواده نازل گردیده است و آنان گنج‌های پروردگار بر روی زمین هستند.

تجلی آیات قرآن در خطبه‌های حضرت زینب سلام الله علیها

یکی از مهمترین آثار به جا مانده از حضرت زینب سلام الله علیها خطابه‌های ایشان در کوفه و شام است. خطبه‌هایی که بنیان کفر و نفاق و ظلم و ستم را در هم کوبید و حق را آشکار ساخت. بدون شک خطبه‌های ایشان و امام سجاد علیه السلام بود که قیام امام حسین علیه السلام را به نتیجه رساند. سخنان این بزرگواران در کوفه و شام هر کدام باعث شد تا حکومت ظلم و ستم تا قیامت خوار و ذلیل گردد و قیام امام حسین علیه السلام اسوه‌ای باشد برای تمام آزادگان جهان.

۲-۱. تجلی آیات قرآن در خطبه کوفه

با مروری کوتاه بر شرایط و زمینه‌هایی که خطبه معروف حضرت زینب سلام الله علیها در آن بستر زمانی واقع شد، می‌توان به اهمیت و جایگاه رفیع آن در فرهنگ اهل بیت علیهم السلام واقف شد. سخن گفتن در حال اسارت بعد از آن همه مصیبت و سخن گفتن در شهری که روزگاری در آن به عنوان معلم و مفسر قرآن از شأن و عظمتی برخوردار بود و اکنون به عنوان اسیر وارد این شهر شده است، بسیار حائز اهمیت است. هیچ کدام از این مصیبت‌ها نتوانست در روح بزرگ ایشان رسوخ کند و آنچنان درسخان خویش به آیات الهی و مثل‌های متداول تمسک می‌جوید، مانند اینکه یک خطیب و مفسر ورزیده در اوج اقتدار و متعادل‌ترین حالات

روانی سخن می‌گوید.^{۱۱} ایشان چنان در این خطبه با اقتدار و محکم و با صلابت سخن می‌گوید که جو حاکم بر مجلس و محفل را به کلی عوض می‌کند. آیات قرآن یکی از مهمترین استنادات ایشان در این خطبه است که در زیر به آنها اشاره می‌کنیم.

۲-۱-۱. متن خطبه کوفه

قَالَ بَشِيرُ بْنُ خُزَيْمٍ الْأَسَدِيُّ: وَنَظَرْتُ إِلَى زَيْنَبَ بِنْتِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَئِذٍ وَلَمْ أَرَ وَاللَّهِ خِفْرَهُ قَطُّ أَنْطَقَ مِنْهَا، كَأَنَّمَا تُفَرِّعُ عَنْ لِسَانِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَدْ أَوْمَأَتْ إِلَى النَّاسِ أَنْ اسْكُتُوا فَارْتَدَّتِ الْأَنْفَاسُ وَسَكَتَ الْأَجْرَاسُ؛ ثُمَّ قَالَتْ:

الْحَمْدُ لِلَّهِ وَالصَّلَاةُ عَلَى أَبِي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الْأَخْيَارِ؛ أَمَّا بَعْدُ يَا أَهْلَ الْكُوفَةِ! يَا أَهْلَ الْخَتْلِ وَالْغَدْرِ! أَتَبْكُونَ؟! فَلَارَقَاتِ الدَّمْعُ وَلا هِدَاتِ الرَّثْنِ! إِنَّمَا مَثَلُكُمْ كَمَثَلِ ﴿الَّتِي نَقَضَتْ غَزَلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَاثًا تَتَخَذُونَ إِيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ﴾. أَلَا وَهَلْ فِيكُمْ إِلَّا الصَّلَفُ وَالنُّطْفُ وَمَلَقُ الْإِمَاءِ، وَغَمَزُ الْأَعْدَاءِ؛ أَوْ كَمَرَعَى عَلَى دِمْنِهِ، أَوْ كَفَضَهُ عَلَى مَلْحُودِهِ؟! أَلَا سَاءَ مَا قَدَّمْتَ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ وَفِي مَلْحُودِهِ؟! إِي وَاللَّهِ فَبِكُوا كَثِيرًا وَاضْحَكُوا قَلِيلًا؛ فَلَقَدْ ذَهَبْتُمْ بَعَارِهَا وَشَنَانِهَا، وَلَنْ تَرَحُّضُوهَا بِغَسَلٍ بَعْدَهَا أَبَدًا، وَأَنْتَى تَرَحُّضُونَ قَتْلَ سَلِيلِ خَاتِمِ الْأَنْبِيَاءِ وَسَيِّدِ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَمَلَاذِ خَيْرَتِكُمْ وَمَفْزَعِ نَازِلَتِكُمْ وَمَنَارِ حَجَّتِكُمْ وَمَدْرَةِ سَنَّتِكُمْ؛ أَلَا سَاءَ مَا تَزِرُونَ وَبَعْدًا لَكُمْ وَسُحْقًا! فَلَقَدْ خَابَ وَضُرِبَتْ عَلَيْكُمُ الذُّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ. وَيَلَلَكُمْ يَا أَهْلَ الْكُوفَةِ! أَيْ كَبِدٍ لِرَسُولِ اللَّهِ فَرَيْتُمْ، وَأَيْ كَرِيمِهِ لَهُ أَبْرَزْتُمْ، وَأَيْ دَمٍ لَهُ سَفَكْتُمْ، وَأَيْ حُرْمِهِ لَهُ انْتَهَكْتُمْ؛ ﴿لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا إِذَا تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ وَتَنْشَقُّ الْأَرْضُ وَتَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًّا﴾ لَقَدْ جِئْتُمْ بِهِمْ صَلَآءَ عِقَآءٍ سَوَاءٍ فَقَمَاءَ (وَفِي بَعْضِهَا خِرْقَاءَ شَوْهَاءَ)، كَطِلَاعِ الْأَرْضِ وَمَلَأَ السَّمَاءَ. أَفَعَجِبْتُمْ أَنْ قَطَرَتْ

السَّمَاءُ دَمًا، وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَخْزَىٰ وَ أَنْتُمْ لَا تَتَصَرُّونَ. فَلَا يَسْتَحْفِنُكُمُ الْمَهْلُ فَإِنَّهُ لَا تَحْفَظُهُ الْبِدَارُ،
وَلَا يُخَافُ قُوَّةُ الثَّأْرِ، وَإِنَّ رَبَّكُمْ لِبَالْمُرْصَادِ.

قَالَ: فَوَاللَّهِ لَقَدْ رَأَيْتُ النَّاسَ يَوْمَئِذٍ حَيَارَى، يَبْكُونَ وَقَدِ افْتَضَعُوا أَيْدِيَهُمْ فِي وَرَأَيْتُ شَيْخًا وَاقِفًا إِلَى جَنْبِي، يَبْكِي الْكَهْلَ وَشَبَابَكُمْ خَيْرُ الشَّبَابِ وَنِسَاءُكُمْ خَيْرُ النِّسَاءِ وَنَسْلُكُمْ خَيْرُ نَسْلِ، لَا يُخْزَى وَلَا يُبْزَى. ١٢

بشیر بن خزیم اسدی می‌گوید: هنگامی که اسرا را به کوفه آوردند، به زینب دختر علی علیه السلام نگریستم. به خدا سوگند تا آن روز زنی این چنین با حیا و به این سخنوری ندیده بودم، چنان سخن می‌گفت گویی کلمات از زبان امیر مؤمنان علی علیه السلام جاری می‌شود. پس اشاره‌ای کرد که مردم ساکت شدند و صدای بانگ شتران خاموش شد. آنگاه گفت:

حمد خدای راست و درود بر پدرم محمد و خاندان پاک و نیک او. پس از سپاس خدا؛ ای اهل کوفه! ای اهل فریب و نیرنگ! گریه می‌کنید؟ هرگز اشک چشمانتان خشکاد و هرگز ناله و فریادتان خاموش مباد. همانا مثال شما مثل آن زنی است که رشته خویش را پس از محکم بافتن، از هم می‌گسست؛ چرا که شما نیز رشته ایمان را با سوگندهایتان نیک استوار می‌سازید و آن گاه آن را وسیله خیانت و تقلب قرار می‌دهید.

آیا در شما جز گزاف گویی و آشوب گری و چاپلوسی کنیزکان و طعنه زنی دشمنان چیزی هست؟ یا چون گیاه روییده در مزبله و قبور نقره اندود [تنها ظاهری نیکو دارید].

همانا توشه‌ای ناپسندیده از بهر خویش به پیش فرستادید که مایه خشم یزدان و عذاب جاویدان شما گردید. اکنون گریه می‌کنید و ناله سر می‌دهید؟! آری سوگند به خدای، بسیار گریه کنید و کم بخندید! چون ساحت خویش را چنان به عیب و عار ننگِ [کشتن امام و هتک حرمت حریم]ش آلودید که هرگز تا ابد با هیچ آبی نتوان پاکش کرد.

چگونه [لکه ننگ] قتل پسر پیغمبر و سرور جوانان اهل بهشت را توان شست؟ کسی که برای خوباتان، پناهگاه و در هنگامه بلایا، آرامشگاه شما بود. روشنایی راهتان و سرشت روشتان بود.

بد باری به دوش می‌کشید؛ نفرین بر شما که از رحمت خدا دور باشید! پس کوشستان بی حاصل، دستانتان بی بهره و سودایتان بی سود ماند. همانا به غضب یزدان بازگشتید و ذلت و مسکنت بر شما افکنده شد.

وای بر شما! چه پاره جگری از مصطفی شکافتید و چگونه ناموس عصمت و طهارت را از پرده برون افکندید؟ چه خونی از رسول خدا ریختید و چه حرمتی از او هتک کردید؟ به راستی کاری چنان زشت کردید که نزدیک است از زشتی آن، آسمان متلاشی گردد، زمین شکافته شود و کوه‌ها به شدت فرو ریزد. کاری کردید بس زشت، نکوهیده، ناپسند، سخت و بزرگ به پهنای زمین و فراخنای آسمان.

آیا در عجب هستید که آسمان خون می‌گیرد؟ در حالی که عذاب آخرت رسواکننده‌تر است و در آنجا هیچ کس شما را یاری نمی‌کند. در پی مهلت‌های خداوند، خود را سبکبار مشمارید؛ زیرا هیچ چیز خداوند را از مبادرت [به عذاب] باز نمی‌دارد و در خون جویی، بیم فوت وقت ندارد. همانا پروردگار شما در کمین گاه است.

بشیر بن خزیم اسدی گوید: سوگند به خداوند که مردمان را در آن روز، جمله سرگشته و پریشان دیدم که می‌گریستند و همه دست در دهان داشتند. پیرمردی را دیدم که چندان بگریست که ریشش از اشکش تر شد و می‌گفت: پیران شما بهترین پیران و جوانان شما بهترین جوانان و زنان شما برترین زنان و نسل شما بهترین نسل‌هایند و هرگز در هیچ حال به ذلت و خواری نیفتند.^{۱۳}

۲-۱-۲. شروع خطبه یا شروع برائتی

خطبه حضرت زینب سلام الله عليها دركوفه بدون «بسم الله الرحمن الرحيم» شروع می‌شود. همان طور که می‌دانیم شروع هرکاری با «بسم الله الرحمن الرحيم» است و این حاکی از اهمیت این سخن است. هیچ چیز جز وجه کریم او بقاء ندارد، در نتیجه هر چه با احترام او و وجه کریمش و به خاطر رضای خدا انجام شود و به نام او درست شود باقی می‌ماند، چون خود او باقی و فناپذیر است.^{۱۴} رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «كُلُّ أَمْرٍ ذِي بَالٍ لَمْ يُذْكَرْ فِيهِ اسْمُ اللَّهِ فَهُوَ آتَرَ»^{۱۵} هرکاری که اهمیت داشته باشد، اگر با نام خداوند آغاز نشود، ناقص و ابرتر می‌ماند و به نتیجه نمی‌رسد. اینجا این سؤال پیش می‌آید که چرا حضرت زینب سلام الله عليها که عالم به این مطالب است خطبه خود را بدون این جمله شروع می‌کند؟ پاسخ را باید در سوره توبه (برائت) جست. سوره توبه تنها سوره‌ای است که بدون «بسم الله الرحمن الرحيم» شروع می‌شود. علت آن هم این است که این کلام رحمت خداوند را یادآوری می‌کند و اعلام بیزاری و برائت، با ذکر رحمت درکنار هم هماهنگ و مناسب نیست.^{۱۶} امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: در آغاز سوره توبه، «بسم الله» نیامده؛ زیرا «بسم الله» پیام آور رحمت است؛ در حالی که این سوره برای رفع امان و اعلام جنگ نازل گردیده است.^{۱۷} بنابراین عالمه غیرمعلمه آغاز سخن خود را به استناد سوره توبه شروع می‌کند. چرا که در میان قومی سخن می‌گوید که عهد خود شکسته و با مشرکین و منافقین عهد بسته‌اند و این شدت انزجار از این قوم ناکاراست. ﴿بَرَاءَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ (توبه: ۱)، حضرت زینب سلام الله عليها در همان ابتدا از مشرکانی که در لباس اسلام برکسی جانشینی رسول خدا صلی الله علیه و آله تکیه زده‌اند، بیزاری می‌جوید و کلام خود را بدون رحمت خداوند آغاز می‌کند؛ زیرا این قوم که با حجت خدا امام حسین علیه السلام آن عمل را انجام داده‌اند مستحق عذابی دردناک و جاودان هستند.

۲-۱-۳. شکر خداوند در همه حال

ابتدای کلام حضرت زینب سلام الله عليها با سپاس و ستایش خداست؛ «الحمد لله». در آیات مختلف خداوند مورد سپاس و ستایش قرار گرفته است از جمله: ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ (فاتحه: ۲)؛ ﴿وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ (انعام: ۴۵)؛ ﴿وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ﴾ (اعراف: ۴۳)، ﴿دَعَوَاهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ وَآخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ و آیات دیگر. در این قسمت انعکاس بخشی از آیات قرآن در کلام حضرت زینب سلام الله عليها متجلی است. «الحمد لله» تمام حمدها و ستایشها برای خداست؛ زیرا تمامی نعمت‌ها از اوست. حضرت زینب سلام الله عليها زمانی این سخن را به جا می‌آورد که همه هستی خود را از دست داده؛ اما این ستایش در کمال عرفان و عبودیت است. وقتی ابن زیاد ملعون به ایشان گفت: دیدی خدا با برادرت حسین چه کرد؟ و آن عارفه کامله فرمود: «ما رأيتُ الأَجْمِلَ»^{۱۸} من چیزی جز زیبایی ندیدم؛ این کلام حاکی از تأثیر آیات قرآن و معارف آن در عمق وجود حضرت زینب سلام الله عليها است که در کلام ایشان آشکار می‌گردد و همه چیز را در راه خدا می‌بیند و شکر و سپاس را در همه حال از آن او می‌داند.

۲-۱-۴. شکستن عهد و پیمان

«أَنَّمَا مَثَلُكُمْ كَمَثَلِ الَّذِينَ نَقَضَتْ غَزْلَهُمْ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَاثًا» مثل شما، مثل زنی است که رشته‌های خود را می‌بافند، سپس باز می‌کند. این قسمت از خطبه حضرت زینب به آیه ۹۲ سوره نحل اشاره دارد، آنجا که می‌فرماید: ﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَقَضَتْ غَزْلَهُمْ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَاثًا تَتَخَذُونَ آيْمَانَكُمْ دَخْلًا بَيْنَكُمْ أَنْ تَكُونَ أُمَّةٌ هِيَ أَرْبَى مِنْ أُمَّةٍ إِنَّمَا يَبْلُوكُمُ اللَّهُ بِهِ وَلِيُبَيِّنَ لَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ﴾ (نحل: ۹۲) مفهوم این آیه درباره وفای به عهد است و این آیه زمانی نازل گردید که تعداد مسلمانان کم و تعداد دشمنان زیاد بود. بنابراین ممکن بود بعضی از مسلمانان سست عنصر پیمان خود را بشکنند و خداوند در این آیه به آنان این هشدار را می‌دهد.^{۱۹} آیات

دیگری نیز درباره وفای به عهد و عدم شکستن آن اشاره دارد از جمله: ﴿وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ﴾ (رعد: ۲۵)؛ ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ﴾ (مائده: ۱). محتوای سخن حضرت زینب سلام الله علیها درباره وفای به عهد و عدم شکستن آن است که کوفیان این عهد و پیمان را شکستند. عهد و پیمان تا آنجا اهمیت دارد که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید: «لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ»^{۲۰} کسی که به پیمان خود وفادار نیست دین ندارد. بنابراین حضرت زینب سلام الله علیها با این سخن خود که درون مایه قرآنی و روایی دارد، عهد شکنی کوفیان را بر ملا می‌کند.

۲-۱-۵. عذاب الهی برای عهدشکنان

«أَلَا سَاءَ مَا قَدَّمْتُمْ لَكُمْ أَنْفُسَكُمْ أَنْ سَخِطَ عَلَيْكُمْ وَفِي الْعَذَابِ أَنْتُمْ خَالِدُونَ» چه بد جایگاهی برای شما ذخیره کرده نفسهایتان در سرای دیگر و شما در عذابی جاودان جای دارید.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿تَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِبِئْسَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُمْ أَنْفُسُهُمْ أَنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَفِي الْعَذَابِ هُمْ خَالِدُونَ﴾ (مائده: ۸۰)؛ ﴿بَلَى مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ (بقره: ۸۱)؛ ﴿وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ﴾ (مؤمنون: ۱۰۳) عقيله خاندان وحی در این فراز از خطبه پر مایه‌اش با اقتباس از آیات و حیانی خداوند، وجدان عهدشکنان را به محاکمه کشیده و به آنان هشدار می‌دهد ﴿أَلَا سَاءَ مَا يَدْرُونَ﴾: بدانید که شما خیلی بد عمل کردید که این همان هشدار است که خداوند در قرآن کریم به کسانی که دنیا را جایگزین خداوند کردند می‌دهد و می‌فرماید: ﴿قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ حَتَّى إِذَا جَاءَتْهُمْ السَّاعَةُ بَغْتَةً قَالُوا يَا حَسْرَتَنَا عَلَى مَا فَرَّطْنَا فِيهَا وَهُمْ يَحْمِلُونَ أَوْزَارَهُمْ عَلَى ظُهُورِهِمْ أَلَا سَاءَ مَا يَزُرُونَ﴾ (انعام: ۳۱)

۲-۱-۶. محکوم به خواری و عذاب

«وَبُوتُمْ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ وَضُرِبَتْ عَلَيْكُمُ الذِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ» همانا به غضب یزدان بازگشتید و ذلت و مسکنت بر شما افکنده شد. صدیقه صغری در اوج کلام خود، نتیجه این کارکوفیان را با استناد به آیات قرآن مشخص می‌کند، خواری و ذلت و دچار شدن به عذاب الهی، آیاتی که مؤید این سخن گهربار حضرت زینب است: ﴿ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ وَبَاؤُ غَضَبٍ مِنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ﴾ (بقره: ۶۱)؛ ﴿ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ أَيْنَ مَا تَفَقَّوْا إِلَّا بِحَبْلٍ مِنَ اللَّهِ وَحَبْلٍ مِنَ النَّاسِ وَبَاؤُ غَضَبٍ مِنَ اللَّهِ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الْمَسْكَنَةُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ﴾ (آل عمران: ۱۱۲)

۲-۱-۷. تأکید بر عظمت گناه کوفیان

ایشان پس از ایراد مقدماتی درباره پیمان شکنی کوفیان و مستحق عذاب جاودان شدن آنان به خاطر انجام این عمل قبیح، دوباره با استناد به قرآن کریم، عظمت گناه این کوفیان عهدشکن را ترسیم می‌کند. «أَيُّ كَرِيمَةٍ لَهُ أُبْرِزَتْمْ وَأَيُّ دَمٍ لَهُ سَفَكْتُمْ وَأَيُّ حَرَمَةٍ لَهُ اتَّهَكْتُمْ» چگونه ناموس عصمت و طهارت را از پرده برون افکندید؟ چه خونی از رسول خدا صلی الله علیه و آله ریختید و چه حرمتی از او هتک کردید؟ حضرت زینب سلام الله علیها پس از پرده برداری از این عمل بزرگ و ننگین کوفیان به قرآن استناد می‌کند و این مفهوم را در قالب سخن وحی بازگو می‌کند. ﴿لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا إِذَا تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ وَتَنْشَقُّ الْأَرْضُ وَتَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًّا﴾ (مریم: ۹۰-۸۹) این عبارت در قرآن درباره کافران به کاررفته است. ابتدا قرآن از قول کافران نقل می‌کند که خداوند دارای فرزند است. سپس با لحنی به شدت نکوهش آمیز می‌گوید: چه حرف زشت و نکوهیده ای بر زبان آوردید. نزدیک است از این حرف، آسمان متلاشی شود و زمین شکافته شود و کوه‌ها به شدت فرو ریزد^{۲۱} و گویی تمام عالم هستی که بر پایه توحید بنا شده، از این

نسبت ناروا در وحشت و اضطراب فرو می‌روند.^{۲۲} این آیه تنها آیه‌ای است که به طور کامل در خطبه کوفه آورده شده است. با دقت در مضمون آیه متوجه می‌شویم که حضرت زینب چه احاطه‌ای به آیات قرآن داشته که این استناد به جا را آورده است. آری عمل زشت کوفیان تا آنجا بوده که از این عمل ناروا، تمام عالم هستی به وحشت و اضطراب فرو می‌رود و این اضطراب به بزرگترین مصیبت تبدیل می‌شود که در آسمان‌ها و زمین وجود داشته است.

۲-۱-۸. عدم یاری ظالمان در برابر عذاب خوارکننده

أَفَعَجِبْتُمْ أَنْ قَطَرَتِ السَّمَاءُ دُمًّا «وَلْعَذَابُ الْآخِرَةِ أُخْرَىٰ وَهُمْ لَا يُنْصَرُونَ»: آیا در عجب هستید که آسمان خون می‌گریزد؟ در حالی که عذاب آخرت رسواکننده تراست و در آنجا هیچ کس شما را یاری نمی‌کند. در این فراز از خطبه حضرت زینب می‌توان به دو انعکاس قرآنی اشاره کرد انعکاس بخشی از آیه و آن عدم یاری ظالمان در قیامت است که در این آیات به آن اشاره شده است. از جمله: ﴿أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنْصَرُونَ﴾ (بقره: ۸۶)؛ ﴿وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنْصَرُونَ﴾ (قصص: ۴۱) و آیات دیگر^{۲۳} که مفهوم کلی همه آیات عدم یاری ظالمان در قیامت است که هیچ یاری کننده برای آنها در برابر عذاب خداوند وجود ندارد.

حضرت زینب در این قسمت نیز، عدم یاری ظالمان کوفی را در قیامت با استناد به مفهوم این آیات تذکر می‌دهد؛ اَمَّا بِيَشْرٍ این سخن استناد به آیه ۱۶ سوره فصلت است. ﴿فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي أَيَّامٍ نَحْسَاتٍ لِنَذِيقَهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَخْزَىٰ وَهُمْ لَا يُنْصَرُونَ﴾ (فصلت: ۱۶) حضرت زینب با استناد به این آیه از کلام وحی، تکلیف کوفیان ظالم را در قیامت تعیین می‌کند، عذاب خوارکننده‌ای که هیچ کس آنها را در مقابل این عذاب یاری نمی‌کند. با مشاهده خطبه حضرت زینب و استناد ایشان به آیات عذاب، متوجه می‌شویم که ایشان مراحل عذاب و سرنوشت کوفیانی را که در حق فرزند رسول خدا به چنین جنایتی

مرتکب شده‌اند را بیان می‌کند و در آخرین مرحله با استناد به آیه ۱۶ سوره فصلت بدترین نوع عذاب را مستحق آنان می‌داند.

۲-۱-۹. خداوند در کمین ظالمان

جمع بندی سخن حضرت زینب در این خطبه با استناد به کلام وحی است. می‌توان تجلّی آیات قرآن را متناسب با شرایط و ضوابط درکلام حضرت زینب مشاهده کرد. به گونه‌ای از آیات قرآن بهره می‌گیرد و متناسب با بحث مورد نظر آن را می‌آورد. این امر حاکی از تسلط کامل ایشان برکلام وحی است. جمله قسمت پایانی خطبه حضرت زینب برگرفته از آیه ۱۴ سوره فجر است. در این آیه خداوند برای تهدید کافران فرموده است: ﴿إِنَّ رَبَّكَ لَبَلِّمُصَادٍ﴾ (فجر: ۱۴). همان ویژگی همیشگی حضرت زینب در چگونگی به کارگیری آیات قرآن، اینجا نیز نمایان است.^{۲۴} در این آیه خداوند متعال به اقتدار و تسلط خود بر تمامی انسان‌ها اشاره کرده و حضور خویش و فرشتگان آسمانی را در تمام صحنه‌ها و حوادث روزگار اعلام داشته، طرح‌ها، نقشه‌ها و تمام تلاش‌های ستمگران را در مقابل حق و پیام آوران حقیقت بیهوده دانسته است.^{۲۵}

۲-۲. تجلّی آیات قرآن در خطبه شام

دیگر خطبه حضرت زینب که نقش بسیار والایی در لرزاندن کاخ ظلم و ستم داشته و تثبیت اهداف قیام امام حسین علیه السلام بوده، خطبه شام است. حجم خطبه شام از خطبه کوفه بیشتر است و ایشان استنادات بیشتری به کلام وحی داشته و می‌توان گفت این تجلّی یا به صورت آیه‌ای از آیات قرآن یا بخشی از آیات یا مفهوم آیات بوده است. استنادات به جا و متقن ر ضبعه وحی به آیات قرآن، نشان از تسلط همه جانبه ایشان به کلام وحی و مفسره بودن

ایشان از آیات قرآن است. در زیر به مهم ترین این تجلیات قرآنی درکلام گهربار ایشان اشاره می کنیم.

۲-۲-۱. متن خطبه شام

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَىٰ جَدِّي سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ ﴿صَدَقَ اللَّهُ﴾ سُبْحَانَهُ كَذَلِكَ يَقُولُ: ﴿ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَصَاؤُا السَّوْأَىٰ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَ كَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ﴾ أَظَنَنْتَ يَا يَزِيدُ حِينَ أَخَذْتَ عَلَيْنَا أَقْطَارَ الْأَرْضِ وَ ضَيَّقْتَ عَلَيْنَا آفَاقَ السَّمَاءِ فَأَصْبَحْنَا لَكَ فِي إِسَارٍ نُسَاقُ إِلَيْكَ سَوْقًا فِي قِطَارٍ وَ أَنْتَ عَلَيْنَا ذَوَاقِدَارٌ، أَنْ بَنَّا مِنَ اللَّهِ هَوَانًا وَ عَلَيْكَ مِنْهُ كَرَامَةٌ وَ امْتِنَانًا وَ أَنَّ ذَلِكَ لِعَظَمِ خَطَرِكَ وَ جَلَالِهِ قَدْرِكَ! فَشَمَخْتَ بِأَنْفِكَ وَ نَظَرْتَ فِي عِطْفٍ؛ تَضْرِبُ أَصْدْرِيكَ فَرِحًا وَ تَنْفُضُ مِدْرَوِيكَ مَرِحًا حِينَ رَأَيْتَ الدُّنْيَا وَ خَلَصَ لَكَ سُلْطَانُنَا. فَمَهْلًا مَهْلًا! لَا تَطِشْ جَهْلًا! أَنْسَيْتَ قَوْلَ اللَّهِ: ﴿وَلَا يَحْسِبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمَلِّى لَهُمْ خَيْرٌ لِّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمَلِّى لَهُمْ لِيَزْدَادُوا إِثْمًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ﴾

أَمِنَ الْعَدْلُ يَا ابْنَ الطَّلَقَاءِ تَخْدِيرُكَ حَرَائِرَكَ وَ سَوْقُكَ بَنَاتِ رَسُولِ اللَّهِ سَبَايَا؟ قَدْ هَتَكَتَ سَتُورَهُنَّ وَ أَبْدَيْتَ وُجُوهَهُنَّ يَحْدُو بِهِنَّ الْأَعْدَاءُ مِنْ بَلَدٍ إِلَىٰ بَلَدٍ وَ يَسْتَشْرِفُهُنَّ أَهْلُ الْمَنَاقِلِ وَ يَبْرِزْنَ لِأَهْلِ الْمَنَاهِلِ وَ يَتَصَفَّحُ وُجُوهَهُنَّ الْقَرِيبُ وَ الْبَعِيدُ وَ الْغَائِبُ وَ الشَّهِيدُ، وَ الشَّرِيفُ وَ الْوَضِيعُ، وَ الدُّنْيُ وَ الرَّفِيعُ؛ لَيْسَ مَعَهُنَّ مِنْ رِجَالِهِنَّ وَلِيٌّ وَ لَا مِنْ حُمَاتِهِنَّ حَمِيمٌ؛ عَتَوَا مِنْكَ عَلَى اللَّهِ، وَ جُحُودًا لِرَسُولِ اللَّهِ، وَ دَفَعَا لِمَا جَاءَ بِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ، وَ لَا غَرَوَ مِنْكَ وَ لَا عَجَبَ مِنْ فِعْلِكَ؛ وَ أَنَّى يُرْتَجَى مُرَاقِبُهُ مِنْ لَفْظِ قُوَّةِ أَكْبَادِ الشُّهَدَاءِ، وَ نَصَبِ الْحَرْبِ لِسَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ، وَ جَمْعِ الْأَحْزَابِ وَ شَهَرِ الْحَرَابِ وَ هَزِّ السُّيُوفِ فِي وَجْهِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَشَدُّ الْعَرَبِ لِلَّهِ جُحُودًا، وَ أَنْكَرُهُمْ لَهُ رَسُولًا، وَ أَظْهَرُهُمْ لَهُ عَدُوًّا، وَ أَعْتَاهُمْ عَلَى الرَّبِّ كُفْرًا وَ طُغْيَانًا. أَلَا إِنَّهَا نَتِيجَةُ خِلَالِ

الْكُفْرِ وَ ضَبُّ يُجْرَجُ فِي الصَّدْرِ، لِقَتْلَى يَوْمِ بَدْرٍ. فَلَا يَسْتَبْطِئُ فِي بُغْضِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ مَنْ كَانَ نَظَرُهُ
إِلَيْنَا شَنَفًا وَ شَتَانًا، وَ أَحَنًا وَ شِ ضَغْنًا؛ يَظْهَرُ كُفْرُهُ بِرَسُولِهِ، وَ يُفْصَحُ ذَلِكَ بِلِسَانِهِ، وَ هُوَ يَقُولُ فَرِحًا
بِقَتْلِ وَلَدِهِ، وَ سَبَى ذُرِّيَّتِهِ، غَيْرَ مُتَحَوِّبٍ وَ لَا مُسْتَعْظِمٍ:

لَأَهْلُوا فَرِحًا وَاسْتَهْلُوا فَرِحًا وَ لَقَالُوا يَا زَيْدُ لَا تُشَلِّ

مَتَحِيًّا عَلَى ثَنَاءِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَ كَانَ مُقْبِلَ رَسُولِ اللَّهِ؛ يَنْكُتُهَا بِمَخْصَرَتِهِ، وَاسْتَاصَلَتِ الشَّافَهُ،
بِإِرَاقَتِكَ دَمِ سَيِّدِ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَابْنِ يَعْسُوبِ الْعَرَبِ، وَ شَمْسِ آلِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ؛ وَ هَتَفَتْ
بِأَشْيَاخِكَ وَ تَقَرَّبَتْ بِدَمِهِ إِلَى الْكُفْرَةِ مِنْ أَسْلَافِكَ. ثُمَّ صَرَخَتْ بِبِنْدَائِكَ وَ لَعَمْرِي قَدَنَادَيْتُهُمْ لَوْ
شَهِدُوكَ، وَ وَشِيكَأً تَشْهَدُهُمْ وَ لَتَوَدُّ يَمِينَكَ كَمَا زَعَمْتَ شَلَّتْ بِكَ عَنْ مِرْفَقِهَا، وَ أَحْبَبْتَ أَمَّكَ لَمْ
تَحْمِلِكَ، وَ أَبَاكَ لَمْ يَلِدَكَ، حِينَ تَصِيرُ إِلَى سَخَطِ اللَّهِ، وَ مُخَاصِمِكَ وَ مُخَاصِمُ أَبِيكَ رَسُولُ اللَّهِ.
اللَّهُمَّ خُذْ بِحَقِّنَا، وَانْتَقِمْ مِنْ ظَالِمِنَا، وَاحْلِلْ غَضَبَكَ بَيْنَ سَفَكِ دِمَائِنَا، وَ نَقْضِ ذِمَامِنَا، وَ قَتْلِ
حَمَاتِنَا، وَ هَتَكَ عَنَّا سُودَلِنَا؛ ﴿وَ فَعَلْتَ فَعَلْتِكَ الَّتِي فَعَلْتَ﴾ وَ مَا فَرَيْتَ إِلَّا جِلْدَكَ، وَ مَا جَزَزْتَ
إِلَّا لَحْمَكَ، وَ سَتَرْدُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ بِمَا تَحَمَّلْتَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ، حَيْثُ يُجْمَعُ بِهِ شَمْلُهُمْ، وَ يَلْمُ بِهِ
شَعْنُهُمْ، وَ يَنْتَقِمُ مِنْ ظَالِمِهِمْ، وَ يَأْخُذُ لَهُمْ بِحَقِّهِمْ مِنْ أَعْدَائِهِمْ، وَ لَا يَسْتَفْزِنُكَ الْفَرَحُ بِقَتْلِهِ، ﴿وَ لَا
تَحْسِبَنَّ الَّذِينَ قَتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أحيَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ
فَضْلِهِ﴾.

وَ حَسْبُكَ بِاللَّهِ وَلِيًّا وَ حَاكِمًا، وَ بِرَسُولِ اللَّهِ خَصِيمًا، وَ بِجِبْرِئِيلَ ظَهِيرًا، وَ سَيَعْلَمُ مَنْ بَوَّأَكَ وَ
مَكَّنَكَ مِنْ رِقَابِ الْمُسْلِمِينَ، أَنْ ﴿بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا﴾، وَ أَنْكُمْ ﴿شَرُّ مَكَانًا وَ أَضَلُّ سَبِيلًا﴾ وَ مَا
اسْتِصْغَارِي قَدْرَكَ، وَ لَا اسْتِعْظَامِي تَقْرِيعَكَ، تَوْهُمًا لانتِجَاعِ الْخِطَابِ فِيكَ، بَعْدَ أَنْ تَرَكْتَ عِيُونَ
الْمُسْلِمِينَ بِهَعِيرِي، وَ صُدُورَهُمْ عِنْدَ ذِكْرِهِ حَرَى، فَتِلْكَ قُلُوبٌ قَاسِيَةٌ، وَ نَفُوسٌ طَآغِيَةٌ، وَ أَجْسَامٌ

مَحْشُوَّةٌ، بِسَخَطِ اللَّهِ وَ لَعْنَةِ الرَّسُولِ، قَدْ عَشَّشَ فِيهِ الشَّيْطَانُ وَ فَرَّخَ، وَ مِنْ هُنَاكَ مِثْلُكَ مَا دَرَجَ وَ نَهَضَ.

فَالْعَجَبُ كُلُّ الْعَجَبِ لِقَتْلِ الْأَتْقِيَاءِ، وَ أَسْبَاطِ الْأَنْبِيَاءِ. وَ سَلِيلِ الْأَوْصِيَاءِ، بِأَيْدِي الطُّلَقَاءِ الْخَبِيثَةِ، وَ نَسْلِ الْعَهْرَةِ الْفَجْرَةِ؛ تَنْتَفِئُ أَكْفُهُمْ مِنْ دِمَائِنَا، وَ تَنْحَلِّبُ أَفْوَاهُهُمْ مِنْ لَحْمِنَا؛ وَ لِلْجُنْثِ الزَّكَائِيهِ عَلَى الْجَبُوبِ الضَّاحِيهِ، تَنْتَابُهَا الْعَوَاسِلُ، وَ تَعْفَلُهَا الْفَرَاعِلُ. فَلَيْسَ اتَّخَذْتَنَا مَغْنَمًا، لَتَتَّخِذُنَا وَ شَيْكََا مَغْرَمًا، حِينَ لَا تَجِدُ إِلَّا مَا قَدَمْتَ يَدَاكَ، وَ مَا اللَّهُ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ، وَ إِلَى اللَّهِ الْمَشْتَكَى وَ الْمَعُولُ، وَ إِلَيْهِ الْمَلْجَأُ وَ الْمَوْئِلُ.

ثُمَّ كِدْ كَيْدَكَ، وَاجْهَدْ جَهْدَكَ، فَوَالَّذِي شَرَّفَنَا بِالْوَحْيِ وَ الْكِتَابِ، وَ النَّبُوَّةِ وَالْإِنْتِجَابِ، لَا تَدْرِكُ أَمَدَنَا، وَلَا تَبْلُغُ غَايَتَنَا، وَلَا تَمَحُو ذِكْرَنَا، وَلَا تَرَحُّضُ عَنْكَ عَارُنَا. وَ هَلْ رَأَيْكَ أَلَا فَئِدٌ، وَ أَيَّامُكَ إِلَّا عَدَدٌ، وَ جَمْعُكَ إِلَّا بَدَدٌ، يَوْمَ يَنَادِي الْمُنَادِي: أَلَا لَعْنُ الظَّالِمِ الْعَادِي.

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي حَكَّمَ لِأَوْلِيَائِهِ بِالسَّعَادَةِ، وَ خَتَمَ لِأَوْصِيَائِهِ بِبُلُوغِ الْإِرَادَةِ؛ نَقَلَهُمْ إِلَى الرَّحْمَةِ وَ الرَّأْفَةِ، وَ الرِّضْوَانِ وَ الْمَغْفِرَةِ، وَ لَمْ يَشِقْ بِهِمْ غَيْرُكَ، وَ لَا ابْتَلَى بِهِمْ غَيْرُكَ، وَ لَا ابْتَلَى بِهِمْ سِوَاكَ، وَ نَسَّأَلُهُ أَنْ يُكَمِّلَ لَهُمُ الْأَجْرَ، وَ يُجْزِلَ لَهُمُ الثَّوَابَ وَ الذُّخْرَ، وَ نَسَّأَلُهُ حَسَنَ الْخِلَافَةِ وَ جَمِيلَ الْإِنَابَةِ؛ إِنَّهُ رَحِيمٌ وَدُودٌ ﴿حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نَعْمَ الْوَكِيلُ﴾. ٢٦

سپاس خدای را که پروردگار جهانیان است و درود خدا بر محمد و خاندانش. به راستی که خدای سبحان درست فرمود که گوید: «سرانجام کسانی که عمل زشت انجام داده و کار بد کردند بد آنجا می‌انجامد که آیات خدای را دروغ شمرده و آنها را استهزاء می‌کنند»

ای یزید! آیا پنداری اینک که فضای آسمان و زمین را بر ما تنگ کرده‌ای و ما را همانند اسیران به هر شهر و دیار سوق داده و کشانده‌ای، ما نزد خدا خوار و زبون هستیم و تو در

پیشگاه خدا گرامی و عزیز هستی؟ و این تسلطی که بر ما پیدا کرده‌ای به خاطر مقامی است که در پیش خدا داری؟ و به همین جهت باد به دماغ افکنده و با غرور و نخوت به اطراف خود می‌نگری و مسرور و شادمانی از اینکه می‌بینی دنیا بر وفق مراد و کام تو است و کارها طبق دلخواه تو رو به راه شده و ملک و پادشاهی ما بر تو صافی و هموار گشته است.

اندکی آهسته‌تر و آرام‌تر! مگر گفتار خدای عز و جل را فراموش کرده‌ای که می‌فرماید: «آنان که کافر شدند گمان نکنند مهلتی که ما به آنها داده‌ایم برای ایشان خوب است، بلکه ما آنها را مهلتی دهیم تا بر گناه خود بیفزایند و عذابی خوارکننده در پیش رو دارند».

ای پسر آزادشدگان! آیا این رسم عدالت است که زنان و کنیزان خود را پشت پرده جای دهی ولی دختران رسول خدا را به صورت اسیران بدین سوی و آن سوی کشانی؟ پرده حجاب ایشان را بدری و سر و رویشان را بگشایی و دشمنان، ایشان را از شهری به شهری ببرند و افراد بیگانه و فرومایه چهره آنان را بنگرند؟ نه مردی برای سرپرستی آنها به جای گذارده‌ای و نه حمایت‌کننده‌ای دارند. آری چگونه می‌توان امید عاطفه و دلسوزی داشت از کسی که جگر پاکان را بجد و از دهان بیرون افکند؟ و گوشتش از خون شهیدان اسلام روییده شده؟ و چگونه از دشمنی و عداوت نسبت به ما کوتاهی کند کسی که همواره با دیده بغض و کینه به ما نگاه می‌کند؟ و آن وقت با کمال گستاخی و بی‌باکانه و بدون آن که عمل خود را گران بدانی اجداد خود را به یاد آورده و می‌گویی: اگر بودند از شادی دست افشانی و هلهله می‌کردند و به من دست مریزاد می‌گفتند.

بر دندان‌های ابی عبدالله چوب می‌زنی و سرود پیروزی سر می‌دهی؟ در حالی که این لب و دندان بوسه گاه پیامبر بود که شادی بخش دلش نیز بود. به جانم قسم با ریختن خون آقای

جوانان بهشت و فرزند رئیس عرب و خورشید فرزندان عبدالمطلب، به زخم دل چنگ زدی و ریشه چرکین آن را برآوردی. بزرگان خویش را خواندی و با خون حسین به گذشتگان کافرت تقرب جستی. اکنون بزرگان خود را صدا می‌زنی و می‌پنداری که آنها را می‌خوانی. غافل از اینکه خودت نیز به زودی به آنها ملحق می‌شوی و می‌پیوندی و آن وقت در آنجا آرزو می‌کنی که ای کاش دستت خشک شده بود و زبانت لال گشته بود و مادر و پدرت تو را به دنیا نمی‌آوردند، هنگامی که به سوی خشم خدای راهی شوی و ببینی که طرف حساب تو و پدرت شخص رسول خداست.

بار خدایا! داد ما را از اینان بستان و انتقام ما را از این ستمگران بگیر، و خشم خود را بر کسانی که خون ما را ریختند و یاران ما را کشتند، فرو بریز.

ای یزید! به خدا سوگند نشکافتی مگر پوست خود را و پاره پاره نکردی مگر گوشت خود را و به زودی نزد رسول خدا درآیی در حالی که بار سنگین ریختن خون او و هتک حرمت خاندان او و پاره تن او را به گردن داری. در آن روزی که خداوند پیغمبر و فرزندان و خاندانش را در کنار یکدیگر جمع کند و پراکندگی‌شان را برطرف سازد و داد آنها را از دشمنان بازستاند. غرور و شادمانی، سرمست نکند. گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مرده‌اند، بلکه آنان زنده‌اند و در پیشگاه پروردگارشان روزی می‌خورند.

و همین تو را بس که در آن روز حاکم خدا، دادخواهت محمد و پشتیبان او جبرئیل است و در آن روز کسی که کار را برای تو فراهم کرد و تو را بر گردن مسلمانان سوار کرد، خواهد دانست که چه بد عوضی در قبال کار خود دارد و کدام یک از شما بدبخت تر و کدام یک ره گم کرده- تر است و اگر مصیبت‌های روزگار کار مرا به اینجا کشانیده که ناچار شدم تو را طرف سخن

خود قرار داده و با چون تویی گفتگو کنم؛ اما چه کنم که چشم‌ها گریان و سینه‌ها در فراق عزیزان سوزان است. قلب‌های شما سخت و جان‌هایتان سرکش و بدن‌هایتان از خشم خدا و لعنت رسول آکنده شده است. شیطان در جانتان لانه کرده و در آن تخم گذاشته است.

آه! چه ماجرای شگفت آوری! که مردمان پرهیزکار و فرزندان پیامبران و اوصیا به دست رهاشدگان خبیث و نسل فاجرشان کشته شوند. عجب از اینکه مردمان نجیب حزب خدا به دست آزادشدگان حزب شیطان کشته شوند.

دستان شما به خون ما آغشته می‌شود و گوشت‌های ما از دهن‌های شما می‌ریزد و آن بدن‌های پاک و پاکیزه را گرگان بیابان سرکشی کنند و گفتارها در خاک بغلطانند و اگر تو کشتن و اسارت ما را امروز برای خود غنیمتی می‌دانی، به همین زودی باید غرامت سنگین این کار را بپردازی، آن هنگامی که چیزی جز همانچه به دست خود فرستاده‌ای نیابی و پروردگار سبحان به بندگان ستم نمی‌کند. تنها نزد خدا شکوه می‌کنیم و بر او تکیه داریم.

اکنون هر نقشه و توطئه‌ای داری درباره ما به کار بند و از هیچ کوششی در این باره فروگذار مکن؛ اما به خدایی که ما را با وحی و کتاب و نبوت شرافت بخشید سوگند، هر چه کنی نمی‌توانی نام و نشان ما را محو کنی و سروش ما را بمیرانی و به حد ما نتوانی رسید و ننگ این اعمال و ستم‌ها را نتوانی شست.

و بدان که رأی و تدبیرت سست و روزگارت اندک و انگشت شمار و جمعیت رو به پراکندگی است در آن روز که منادی خدا فریاد زند: همانا لعنت خدا بر ستمگران.

با این همه من خدای را ستایش می‌کنم که آغاز زندگی ما را به سعادت و آمرزش مقرر فرمود و پایان آن را شهادت و رحمت قرار داد و از خدای متعالی می‌خواهیم پاداش نیک خود را بر

شهیدان ما کامل گرداند، که به راستی او بهترین دوست و مهربان است و او ما را کافی است و بهترین مدافع و وکیل است.^{۲۷}

۲-۲-۲. شروع قرآنی خطبه

همان گونه که در ذیل خطبه کوفه اشاره شد، آغاز کلام حضرت زینب در شام نیز مانند سوره توبه است که بدون «بسم الله الرحمن الرحيم» شروع می‌شود که توضیحات لازم در این باره داده شد.

۲-۲-۳. سرانجام بدکاران

حضرت زینب در خطاب به یزید و یزیدیان و کسانی که نشانه‌های خدا را که امام معصوم علیه السلام یکی از نشانه‌های خداست، تکذیب کردند و او را به شهادت رساند و اهل بیت او را اسیر کردند؛ با استنادی به جا به کلام وحی، عاقبت این گروه ظالم را بیان می‌کند. ﴿ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَصَاؤُا السُّوَاىَ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ﴾ (روم: ۱۰)

این آیه آخرین مرحله کفر کافران را بیان فرموده است. گناه و آلودگی همچون بیماری خوره به جان انسان می‌افتد و روح ایمان را می‌خورد و از بین می‌برد و کار به جایی می‌رسد که سر از تکذیب آیات الهی در می‌آورد و به مرحله‌ای می‌رسد که دیگر هیچ وعظ و اندرز و اندازی مؤثر نیست و جز تازیانه عذاب دردناک الهی راهی باقی نمی‌ماند.^{۲۸} با مرور آیات پیشین این آیه درسوره روم، متوجه می‌شویم که چه استناد به جا و کلیدی در کلام حضرت زینب به آیات قرآن وجود داشته است. می‌توان تجلیات تأویلی قرآن را نیز در کلام حضرت زینب استنباط کرد، چرا که این استناد حاکی از تسلط همه جانبه ایشان بر ظاهر و باطن قرآن کریم است که در یک زمان حسّاس، عاقبت بدکاران عالم را آن هم در آخرین مرحله کفر چگونه با استناد به کلام وحی بیان می‌کند.

۲-۲-۴. سنت املاء یا مهلت به کافران

از دیگر استنادات حضرت زینب به کلام وحی که عین آن در خطبه ایشان آورده شده، آیه ۱۷۸ سوره آل عمران است. ﴿وَلَا يَحْسِبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمَلِّى لَهُمْ خَيْرٌ لِّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمَلِّى لَهُمْ لِيَزْدَادُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ﴾ (آل عمران: ۱۷۸) در شأن نزول این آیه نوشته‌اند که درباره مشرکان مکه آمده است و خداوند در این آیه بیان می‌فرماید که مهلت دادن به کفار سودی برای آنها ندارد؛ زیرا ایشان را به عذاب الهی می‌کشاند.^{۲۹} این فرصت دادن به ستمگران سبب می‌شود که آنان سرگرم زندگی شده و جز ظلم و ستم به زیر دستان هدفی نداشته باشند و گمان نکنند که مهلت به سود آنها خواهد بود، بلکه ظلمت کفر و ستم دل‌های آنان را آنچنان فرامی‌گیرد که تا ابد به حسرت‌های روانی و شعله‌های آتش دچار گردند.^{۳۰} نکته جالبی که در تفسیر این آیه و استناد حضرت زینب از آن به چشم می‌خورد؛ شان نزول این آیه است. شان نزول این آیه درباره مشرکان مکه از جمله ابوسفیان ملعون جدّ یزید ملعون بوده است و حضرت زینب دوباره شأن نزول این آیه را زنده می‌کند و درباره نوه آن ملعون به کار می‌برد و به او می‌گوید: به این مهلت زودگذر، دلخوش مباش به زودی عذاب خداوند تو را در بر می‌گیرد و راهی جز ذلت و ذیلی نخواهی داشت؛ همان گونه که جدّ ملعون تو و یارانش اینگونه شدند.

۲-۲-۵. مقام و جایگاه شهادی کربلا

یزید ملعون پس از خواندن اشعار کفر آلود، آرزو کرده بود که کاش پیران قریش بودند تا از پیروزی من، شادی کنان به من تبریک می‌گفتند. مفسر قرآن این شادی یزید را ظاهری می‌داند و قبل از استناد به کلام وحی به این ملعون می‌گوید: «وَلَا يَسْتَفْزِنُكَ الْفَرَحُ بِقَتْلِهِ»؛ غرور و شادمانی مست نکند.

سپس با استناد به این آیه: ﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ﴾ (آل عمران: ۱۶۹) شادی واقعی را مخصوص شهدا می‌داند و با استناد به این آیه به یزید ملعون می‌فهماند که این شادی تو ظاهری و در واقع منتهی به عذاب جاودان می‌شود؛ اما شادی واقعی و جاودان نصیب شهدای کربلا می‌شود؛ آنها که از فضل خداوند خود بهره‌مند شده‌اند. ﴿فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ (آل عمران: ۱۷۰) اگر باز بخواهیم از شأن نزول درباره این آیه و علت استناد حضرت زینب به آن استفاده کنیم، مطلب روشن تر خواهد شد. شأن نزول این آیه را درباره شهدای احد نوشته‌اند.^{۳۱} زمانی که مشرکان از شکست ظاهری و کشتن مسلمانان از جمله حمزه سید الشهداء خوشحال شدند؛ این آیه نازل شد و شادی بی پایان و زنده بودن واقعی رامشخص کرد. یزید ملعون نیز از کشتن شهدای کربلا خوشحال بود، حضرت زینب با تلاوت این آیه، مقام و جایگاه شهدای کربلا را در کنار شهدای بدر و احد قرار می‌دهد و شادی بی پایان و فضل جاودان خداوند نصیب آنان می‌داند.

۲-۲-۶. عاقبت انتخاب بد

حضرت زینب خطاب به یزید ملعون می‌گوید: به زودی کسی که تو را به مقام ریاست بر مسلمانان رساند، خواهد دانست چه بد جایگزینی را انتخاب کرده است. استناد قرآنی ایشان قسمت آخر آیه ۵۰ کف است. ﴿وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ أَفَتَتَّخِذُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا﴾ (کف: ۵۰) موضوع سخن در این آیه شیطان و یارانش است. خداوند در این آیه می‌فرماید: کسانی که به جای خداوند، ابلیس را به عنوان پیشوای خود برگزیدند، بدانند که بد جایگزینی انتخاب کرده‌اند. در سخن حضرت زینب نیز به ازای این افراد معاویه قرار گرفته است و یزید نقش شیطان را دارد؛ زیرا معاویه طبق پیمانی که با امام حسن علیه السلام بسته

بود، متعهد بود که جانشینی برای خود تعیین نکند؛ اما او این پیمان خود را زیر پا گذاشت و یزید را خلیفه مسلمین معرفی کرد. حضرت زینب می‌فرماید: به زودی خواهد دانست که چه بد جایگزینی را انتخاب کرده است.^{۳۲}

وجه دیگری که می‌توان درباره استناد این آیه در کلام حضرت زینب از آن بهره جست این است که مراد از ظالمین تمامی افرادی هستند که به جای خلیفه خدا و حجت خدا بر روی زمین یعنی امام حسین علیه السلام، دست بیعت با جانشین شیطان یعنی یزید ملعون دراز کردند و با او بیعت کردند. به خاطر حب دنیا و غلبه نفس و شیطان بر آنها، حضرت زینب خطاب به تمام کسانی که یزید ملعون را به جای امام حسین علیه السلام انتخاب کرده‌اند می‌گوید: چه انتخاب بدی انجام دادند که با این انتخاب خواری را در دنیا و عذاب دردناک را در آخرت نصیب خود کردند.

۲-۲-۷. خداوند بهترین مدافع و وکیل مظلومان

آخرین آیه‌ای که در کلام حضرت زینب انعکاس می‌یابد، بخشی از آیه ۱۷۳ آل عمران است. ﴿حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾ (آل عمران: ۱۷۳) ایشان پس ازدیدن این همه مصیبت و از دست دادن بهترین کسان خود، خود را مصداق این آیه قرارداد و خداوند را بهترین مدافع خود در برابر این ظالمان ملعون معرفی می‌کند. ایشان با استناد به این آیه به همه ظالمان و در رأس آنها یزید ملعون می‌رساند که خداوند برای ما کفایت می‌کند و او شاهد و ناظر و مدافع حق ماست. الحق که باید ایشان را عارفه و عابده والای الهی دانست که همه چیز را در راه خدا می‌بیند و هیچ مصیبتی حتی ازدست دادن امام زمان خود نتوانسته او را ذره‌ای منفعل کند. در فراز آخر خطبه، شکر و سپاس خداوند را به جامی آورد «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي حَكَمَ لَوْلِيَائِهِ...» و سخن خود را با کلام وحی به پایان می‌رساند.

۲-۸. انعکاس کلمات و جملات قرآنی در خطبه شام

در خطبه‌های حضرت زینب استنادات زیادی به آیات قرآن وجود دارد. گاه در برخی موارد

ایشان از جملات و کلمات قرآنی به نحو زیبا و کاربردی استفاده کرده‌اند. از جمله:

«وَمَا اللَّهُ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ» — ﴿ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيَكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ﴾ (آل عمران: ۱۸۲)

«الَا لَعْنُ الظَّالِمِ الْعَادِي» — ﴿أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ﴾ (هود: ۱۸)

«فَلَا يَسْبُطِي فِي بَغْضَانَا أَهْلَ الْبَيْتِ» — ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ

وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ (احزاب: ۳۳)

۱۱۶

حج

تبریز، شماره ۱۳۹۲

«حِينَ تَصِيرُ إِلَى سَخَطِ اللَّهِ» — ﴿أَفَمَنْ اتَّبَعَ رِضْوَانَ اللَّهِ كَمَنْ بَاءَ بِسَخَطٍ مِنَ اللَّهِ وَمَا وَاهُ

جَهَنَّمَ وَبُئْسَ الْمَصِيرُ﴾ (آل عمران: ۱۶۲)

«وَسَيَعْلَمُ...» — ﴿وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ﴾ (شعراء: ۲۲۷)

«قُلُوبِ قَاسِيهِ» — ﴿فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ﴾ (زمر: ۲۲)

«الْقَتْلَ حِزْبَ اللَّهِ النَّجْبَاءِ» — ﴿وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ

هُمُ الْغَالِبُونَ﴾ (مائده: ۵۶)

«بِحِزْبِ الشَّيْطَانِ الطَّلَقَاءِ» — ﴿أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ

الْخَاسِرُونَ﴾ (مجادله: ۱۹)

«يُنَادِي الْمُنَادِي» — ﴿وَاسْتَمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ﴾ (ق: ۴۱)

«رَحِيمٌ وَدُودٌ» — ﴿وَاسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ﴾ (هود: ۹۰)

«وَفَعَلْتَ فَعَلَتَكَ الَّتِي فَعَلْتَ» — ﴿وَفَعَلْتَ فَعَلَتَكَ الَّتِي فَعَلْتَ وَأَنْتَ مِنَ الْكَافِرِينَ﴾

(شعراء: ۹۰)

«أَيْكُمْ شَرِّ مَكَانًا وَأَضْعَفُ جُنْدًا» — ﴿فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ شَرُّ مَكَانًا وَأَضْعَفُ جُنْدًا﴾ (مريم: ۷۵)

نتیجه

از مباحث گذشته به دست آمد که تجلی آیات قرآن کریم در دو خطبه کوفه و شام کاملاً نمایان است به گونه‌ای که یکی از مهم‌ترین استنادات رضیحه وحی در این دو خطبه، آیات قرآن بوده است. نکته مهم و حائز اهمیت درباره این تجلیات، استناد به جا و محکم به آیات وحی متناسب با مقتضیات کلام و شرایط بوده که این مهم حاکی از تسلط همه جانبه ایشان به ظاهر و باطن کلام وحی است. تجلی آیات وحی در کلام عالمه غیر معلّمه گاه به صورت انعکاس آیه‌ای کامل یا بخشی از آیه و یا مفهوم آیه (آیات) بوده است. کوتاه سخن این که ایشان به علت عالمه بودن و علم الهی که به ایشان عنایت شده بود، به کلام وحی واقف بوده و در کلام خود از جمله دو خطبه مهم کوفه و شام از آن بهره‌های مفید و کاربردی داشته است. به گونه‌ای که با استنادات محکم و به جا، مفهوم اصلی سخن را به مخاطبان رسانده است.

پی نوشت‌ها:

۱. محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۲۶۶.
۲. سیدمصطفی موسوی خرم آبادی، سیره و اندیشه حضرت زینب سلام الله علیها، ص ۳۳.
۳. شیخ صدوق، خصال، ج ۲، ص ۳۶۸.
۴. جلال الدین عبدالرحمن سیوطی، تاریخ الخلفاء، ص ۱۷۰.
۵. محب الدین طبری، الریاض النضره فی مناقب العشره، ص ۹۵.
۶. سید محمد حسن مؤمنی، فاطمه زهرا سلام الله علیها بانوی بهشت، ص ۲۲.
۷. سید محمد علی طباطبایی، تجلی قرآن در کلام حضرت زینب سلام الله علیها، ص ۱۷.
۸. شوشتری، الخصائص الحسینیّه، ترجمه میرزا محمدحسین شهرستانی، ص ۳۳۵-۳۶۵.
۹. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۶۴.
۱۰. نهج البلاغه، خطبه ۱۵۴.
۱۱. عبدالکریم پاک نیا، خطبه حضرت زینب سلام الله علیها در کوفه و شام، ص ۴۸-۴۷.
۱۲. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۱۰۸؛ سیدین طاووس، اللهوف، ص ۱۴۶.

۱۳. ترجمه خطبه برگرفته از ترجمه سید محمد علی طباطبایی در کتاب تجلی قرآن در کلام حضرت زینب سلام الله علیها است.

۱۴. مراد علی شمس، با علامه در المیزان، ج ۱، ص ۳۴۹.

۱۵. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۶، باب ۵۸.

۱۶. محمدحسین جعفری، گلستان سوره‌ها، ج ۱، ص ۶۸.

۱۷. سیدهاشم بحرانی، البرهان فی تفسیرالقرآن، ج ۲، ص ۷۲۷.

۱۸. سیدبن طاووس، اللهوف فی قتلی الطفوف، ص ۶۸.

۱۹. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۳، ص ۳۸۳.

۲۰. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۶، ص ۱۴۴.

۲۱. سید محمد علی طباطبایی، تجلی قرآن در کلام حضرت زینب سلام الله علیها، ص ۷۳.

۲۲. آیت الله ناصر مکارم شیرازی، برگزیده تفسیرنمونه، ج ۳، ص ۱۰۶.

۲۳. (انبیاء: ۳۹)، (دخان: ۴۱)، (طور: ۴۶).

۲۴. سیدمحمدعلی طباطبایی، تجلی قرآن در کلام حضرت زینب سلام الله علیها، پیشین، ص ۹۹.

۲۵. عبدالکریم پاک نیا، خطبه حضرت زینب سلام الله علیها در کوفه و شام، ص ۶۱.

۲۶. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۱۵۷.

۲۷. ترجمه خطبه برگرفته از ترجمه سید محمد علی طباطبایی در کتاب تجلی قرآن در کلام حضرت زینب سلام الله علیها است.

۲۸. آیت الله مکارم شیرازی، برگزیده تفسیرنمونه، ج ۳، ص ۶۱.

۲۹. طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ص ۳۵۶.

۳۰. سیدمحمدحسین حسینی همدانی، انواردرخشان، ج ۳، ص ۳۷۳.

۳۱. علی بن احمد واحدی، اسباب النزول، ص ۱۳۳.

۳۲. سیدمحمدعلی طباطبایی، تجلی قرآن در کلام حضرت زینب سلام الله علیها، ص ۱۷۹.

منابع:

۱. قرآن کریم، ترجمه: فولادوند، محمد مهدی، تهران، دارالقرآن الکریم، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
۲. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم: انتشارات الهادی، چاپ بیست و نهم، ۱۳۸۵ش.
۳. بحرانی، سیدهاشم، البرهان فی تفسیرالقرآن، تهران: بنیادبعثت، ۱۴۱۷ق.
۴. پاک نیا، عبدالکریم، خطبه حضرت زینب درکوفه و شام، قم: انتشارات فرهنگ اهل بیت، چاپ دوم، ۱۳۸۶ش.
۵. جعفری، محمدحسین، گلستان سوره‌ها، قم: نشرفاخر، چاپ دهم، ۱۳۸۷ش.
۶. حسینی همدانی، سیدمحمدحسین، انواردرخشان، تهران: کتاب فروشی لطفی، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
۷. سیدبن طاووس، اللہوف فی قتلی الطفوف، تهران: دارالاسوه، ۱۴۱۴ق.
۸. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، تاریخ الخلفاء، قم: انتشارات شریف رضی، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
۹. شمس، مراد علی، با علامه در المیزان، قم: انتشارات اسوه، چاپ اول، ۱۳۸۴ش.
۱۰. شوشتری، الخصائص الحسینیہ، ترجمه میرزامحمدحسین شهرستانی، بیروت: دارالسرور، ۱۴۱۴ق.
۱۱. صدوق، خصال، تهران: انتشارات اسلامیہ، ۱۳۸۰ق.
۱۲. طباطبائی، سید محمد علی، تجلّی قرآن درکلام حضرت زینب سلام الله علیها، قم: نشرادیان، چاپ اول، ۱۳۹۰ش.
۱۳. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، تهران: ناصرخسرو، ۱۳۷۲ش.
۱۴. طبری، محبّ الدین، الریاض النضره فی مناقب العشره، بیروت: دارالمعرفه، [بی تا].
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تهران: مکتبه الاسلامیه، ۱۳۶۳ش.
۱۶. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء، چاپ سوم، ۱۴۰۳ق.
۱۷. محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه در ترجمه دانشمندان بانوان شیعه، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۴۹ق.
۱۸. مکارم شیرازی، ناصر، برگزیده تفسیرنمونه، تحقیق و تنظیم احمد بابایی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۷۶ش.

۱۹. موسوی خرم آبادی، سیدمصطفی، سیره و اندیشه حضرت زینب سلام الله علیها، قم: انتشارات

دانشگاه قم، چاپ دوم، ۱۳۸۶ ش.

۲۰. مؤمنی، سید محمد حسن، فاطمه زهرا سلام الله علیها بانوی بهشت، قم: انتشارات دلیل ما، چاپ

چهارم، ۱۳۸۶ ش.

۲۱. واحدی، علی بن احمد، اسباب النّزول، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۱ ق.